

حق اشاعه اندیشه و اطلاعات

محمد حسن عرب اسدی
کارشناس کتابخانه ملی

و ناخودآگاه همه آدمیان، زمینه‌های مشترکی از اندیشه و فرهنگ ناشی از آن، با وسیع‌ترین معنای خود، وجود دارد که بدون توجه به زمان و مکان، تعلق به همگان دارد و این، همان وامداری همگان به همگان است.

اندیشیدن، یعنی تنظیم و تنسيق یافته‌ها و دانسته‌ها و غور در آنها برای نیل به نایافته‌ها و نادانسته‌ها، با انگیزه کسب و درک مفاهیم و معانی جدید و دلخواه، با منطقی مخصوص و حرکتی ویژه. بیان اندیشه یعنی عیان ساختن ما فی الضمیر چه بی واسطه و چه با واسطه و این وجه اخیر، چه به یاری عوامل طبیعی، چه به مدد غیر آن.

تردید نیست که آنکه اندیشه می‌کند،

اندیشیدن و فکر کردن، نیروی است خداداد که آدمی را از سایر جانداران متمایز می‌کند. ماهیت اندیشه و چگونگی اندیشیدن، همچون رازی نهفته است که فقط نمودهای عینی آن در چهارچوب علوم و معارف شناخته شده بشری تجلی یافته است. اندیشه آدمی، گاه با احساسات، گاه با آرزوها و گاه با حوایج ضروری و عادی او در هم می‌آمیزد. هر اندیشه‌ای خود حلقه‌ای از سلسله تفکرات گذشته و حال است و حلقه‌ای برای آینده تا چرخه‌ای نامیرا و بالنده را به مقتضای تعاملات و ارتباطات و مشارکتهای بین مردمان به وجود آورد و به آن تحرک و استمرار بخشد. در عمق نهاد آگاه

نقش دولتها

امروزه دولتها و حکومتها برای رعایت حق اندیشه و صاحبان آن همت گماشته، حسب نگرشها و برداشتهای متأثر از اوضاع داخلی و پیرامونی خود و نیز بر مبنای اعتقادات و مرامشان قوانینی را وضع می‌کنند و به مورد اجرا می‌گذارند و به دلیل ارتباطات و همکاریهای وسیع و همه جانبه با دیگر دولتها، معاهداتی دو جانبه و چند جانبه را منعقد کرده، به آن عمل می‌کنند و از این فراتر به فکر ایجاد معاهدات جهانی نیز افتاده و قراردادهایی را نیز منعقد کرده‌اند و حتی مایل به ایجاد نظامی واحد و روشی همگون در حمایت از این حقوق هستند. در این باره تلاشهای زیادی نیز به انجام رسیده است؛ اما این فعالیتها به خاطر پاره‌ای اقدامات تبعیض‌آمیز هنوز اقبال عمومی و جهانی نیافته است. چنین اتفاقی یکباره صورت نخواهد گرفت، بلکه نیازمند ایجاد شرایطی عادلانه و فضایی صلح‌آمیز، انسان‌دوستانه و آرمان‌گرایانه خواهد بود. صدور و اعلان و ابلاغ منشورها و بیانیه‌های حقوقی، اجتماعی، فرهنگی و... از سوی خیرخواهان و مصلحان و اندیشمندان و مبارزان حقیقت طلب بارقه‌های امید وصول به این امر محسوب می‌شوند.

ارائه آفرینشهای فکری

انسانها، اندیشه‌ها و مکنونات ذهنی خود را گاه به طور مستقیم و بی‌واسطه و گاه به حالت

آنکه اندیشه می‌پرورد، آنکه اندیشه می‌تراود، آنکه اندیشه می‌زاید، و آنکه اندیشه می‌پراکند، همه و همه محترمند؛ اما آنکه اندیشه می‌زاید و آنکه اندیشه می‌پراکند، فردی است متمایز؛ زیرا اوست که اندیشه‌ای دیگر آورده و آن را مادری کرده؛ پس او را حقی دیگر است و بر جامعه که آن اندیشه را پدري کرده، حقی دیگر. این اندیشه، هر چه مؤثرتر باشد صاحبش مسئولتر است و هر چه بدیعتر صاحب آن ممتازتر و هر چه پربرتر، صاحب آن سزاوارتر؛ ولی آنکه اندیشه می‌رباید، آنکه اندیشه می‌سوزاند و آنکه راه بر اندیشه می‌بندد، بی‌حق است و بی‌حرمت و سزاوار تقبیح و تنبیه! پشتوانه این اعتقاد، عقل و منطق است و عدالت و انصاف تا صلاح و مصلحت فرد و جامعه مدنظر قرار گرفته، معیاری وضع شود تا بدان، روابط بین صاحب اندیشه و نیازمندان به آن به درستی تنظیم شود و هدایت گردد. این کار دو منفعت دارد: یکی اینکه آنان را به حقوق خود واقف می‌کند و دیگر اینکه حد و مرز آن را می‌شناساند. چنین اقدامی زمینه بروز تجاوز و تبعیض و سوء تعبیر و سهل‌انگاری را می‌زداید. تعالیم ادیان الهی و دستورات آنها همواره بر رعایت حقوق متقابل انسانها تأکید داشته و در این میان، آیین حیات‌بخش اسلام به ظریفترین جنبه‌های آن نیز پرداخته است. بررسی اجمالی و نگرشی در آیات، روایات، سیره، سنت و آرای فقها و والیان اسلامی این ادعا را اثبات خواهد کرد.



و فنی بسیار دشوار است و شاید ناممکن باشد.

نشر افکار و اطلاعات

امروزه، از جمله عاملان و شاغلان نشر آثار فکری و اطلاعات حاصل از آنها، کتابخانه‌ها، مراکز اسناد و پایگاههای اطلاع‌رسانی هستند و به موازات آنها دست‌اندرکاران صنعت نشر و تکثیر و عرضه مواد اطلاعاتی و نیز آنهایی که به فعالیتهای سمعی و بصری و نیز امور علمی، آموزشی، فرهنگی و هنری می‌پردازند، قرار دارند. از این گذشته می‌توان به نمایشگاهها، موزه‌ها و تئاترها نیز اشاره کرد.

امروزه کار اطلاع‌رسانی و دانش‌گستری، دیگر حرفه‌ای معمولی و ساده نیست، بلکه هنری با جاذبه‌های دل‌انگیز و ویژگیهای انحصاری و فعالیتی سودمند و حیاتی و پدیده‌ای شگرف و عنصری جدید است که بشر اهمیت آن را بیش از پیش دریافته است و از آن سودی فراوان می‌برد و بسان صنعتی مولد و پویا آن را به پیش می‌راند. هم اکنون، برای هر اقدامی، گام اول اطلاعات است و بس.

دستیابی آسان به اطلاعات

اطلاعات همان مجموعه داده‌های معنادار، قابل درک و حاصل از پدیده‌های طبیعی و فرایندهاست که چه طبیعی، چه مصنوعی؛ چه اصلی، چه مشتق، چه خام، چه پخته جهان

نیمه مستقیم و با واسطه و زمانی، غیرمستقیم در اختیار یکدیگر می‌گذارند. آنچه در قلمرو بحث ما قرار دارد، حالت‌های دوم و سوم است. از جمله راههای این تعامل فکری، خلق آثار ادبی، هنری و علمی است. در این طریق هر صاحب اندیشه‌ای یافته‌های خود را در قالب آثاری درک‌پذیر و احساس‌شده بیان می‌کند و مایل است که دیگران نیز در آن به دیده احترام بنگرند.

از دیگر راههای ارتباط فکری انسانها، آفرینش فنی است که طی آن فرد خلاق، ابداع و ابتکار خود را در قالب روشها یا مواد و محصولات نشان می‌دهد و به طریق کاربردی یا کارافزاری و تجربی با دیگران ارتباط برقرار می‌کند: گاه با ثمره و کالایی تازه و بدیع، گاه به حالتی متکامل و گاه به حالتی وابسته و منفصل.

راه دیگر، فعالیتهای حرفه‌ای رقابت‌آمیز و اندیشه‌مدار است که بر اساس آن، فرد با کمک حس برتری‌جویی و فزون‌خواهی، افکار و تجربیات ذهنی و عملی‌اش را عینیت می‌بخشد و توجه و ترغیب دائم دیگران او را به آن فعالیت و خدمت آرزومند می‌سازد؛ اما جامعه او را تا آنجا مجاز می‌داند که رقابتی مشروع پیشه کند و هرگز به حيله و تقلب متوسل نشود.

طریق اخیر حلقه واسطه برای وصول و اتصال به دو طریق قبلی است. چه از لحاظ محصول و چه از لحاظ فرآیند، بدون چنین فعالیتی امکان موفقیت در آفرینشهای فکری

و تصحیح قوانین قدیمی و کهنه پرداخت. در کشور ما نیز پس از مدتی کشاکش و تلاش، سرانجام ماده الحاقی ذیل به لایحه قانون مجازات اسلامی اضافه شد که آن هم مرهون فعالیت شورای عالی انفورماتیک کشور بود: «هرگونه دخل و تصرف غیرمجاز از طریق ورود یا خروج، ضبط و ذخیره، پردازش و انتقال داده‌ها و نرم‌افزارهای کامپیوتری و ایجاد یا وارد کردن انواع ویروس‌های کامپیوتری و امثال آن، جرم محسوب شده و مرتکب علاوه بر جبران خسارات وارده به مجازات حبس از سه ماه تا یک سال و یا جزای نقدی از یک صد هزار تا ده میلیون ریال محکوم خواهد شد».

این تصریحات، اگرچه کافی نیست، لازم است. بدان امید که شورای یاد شده بتواند آن گونه که شایسته است به نحوی جامع و مانع از عهده کار برآید. البته بر دیگر نهادهای مربوط، همچون وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزارت صنایع، سازمان ثبت اسناد و املاک، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، وزارت بازرگانی و همچنین مؤسسات مطالعاتی و تحقیقاتی و به ویژه قوه قضاییه و قوه مقننه فرض است تا برای بهبود و اجرای قوانین مورد نظر تلاش کنند و چه بهتر که یک شورای عالی، متشکل از دستگاههای یاد شده، تحت عنوان «شورای عالی حمایت از آفرینشهای فکری» تأسیس شود تا به شکلی مناسب به تعیین اهداف و راهبردهای لازم بپردازد.

رادر احاطه خود دارد و لازمه شناخت و دستیابی به آن، اندیشه، بازاندیشی و فعالیت است. هم‌اکنون به کمک وسایل مغناطیسی و الکترونیک بخش مهمی از اطلاعات حاصل از پدیده‌ها و مواد و منابع مختلف طی فراگردهای نرم‌افزاری و در محملهای سخت‌افزاری و میان‌افزاری و در حجمهای بسیار کوچک ذخیره می‌شوند و قابلیت دسترسی و انتقال می‌یابند. برای مثال می‌توان تمامی محتوای کتب و نشریات یک کتابخانه عمومی را در چند دیسک نوری ذخیره کرد و اینجا و آنجا برد و از آن بهره‌برداری کرد. از این فراتر، وجود و ایجاد شبکه‌های اطلاع‌رسانی کامپیوتری است که به شکل محلی، ملی، بین‌المللی و جهانی و به حالت تعامل لحظه‌ای و در کسری از ثانیه قادر به دریافت و انتقال انبوهی از اطلاعات دلخواه و گزیده‌اند.

هماهنگ‌سازی حقوقی

این دسترسی فوق‌العاده ساده، در قیاس با روشهای دستی رونویسی، تکثیر و چاپ دستی که در گذشته معمول بود، سهولتی فوق‌العاده را در بهره‌برداری از آثار و محصولات فکری و اطلاعاتی نشان می‌دهد و لزوم و ضرورت هماهنگ‌سازی حقوقی و قانونگذاریهایی مناسب را بیش از پیش می‌نماید. بدین خاطر و به اقتضای شرایط فعلی حاکم بر ارتباطات و مشارکتهای معمول و متداول بین انسانها باید به بازنگری



تجزیه و تحلیل حقوقی

حقوق آفرینشهای فکری واجد دو جنبه معنوی (اخلاقی) و مالی (مادی) است. جنبه معنوی آن از دو شق ابوت (انتساب) و ولایت (اراده و تصمیم) تشکیل شده و جنبه مالی آن از دو شق عینیت (جسمیت) و انتفاع (استثمار). جنبه معنوی به خالق اثر حق می‌دهد که اثر را به نام خود بخواند و آن را فرزند روح و فکر خود بداند و هرگونه می‌خواهد از آن استفاده کند و جنبه مالی به خالق اثر اجازه بهره‌برداریهای مادی می‌دهد و بدین طریق او مالک جسمیت و هیأت فیزیکی اثر خود است و نیز اوست که می‌تواند آن را به ثمردهی و سودرسانی و سودبری برساند.

حق ابوت حق تکوینی است و خارج از اراده خالق اثر است و به این علت، قابل واگذاری یا قبول نیست؛ ولی حق ولایت را می‌توان به دیگری تفویض کرد یا آن را از کسی پذیرفت. حق مالی به راحتی قابل واگذاری و حتی انکار است. می‌توان اثر را بعینه به دیگری بخشید یا از دیگری قبول کرد و نیز می‌توان راجع به بهره‌وری، استثمار و میوه‌چینی از اثر پرداخت و یا کلاً از آن اعراض کرد. آنچه از همه بیشتر در معرض داد و ستد و نیز تجاوزات و سوءاستفاده قرار دارد، همین حق بهره‌وری از آثار فکری است و اکثر قوانین و معاهدات، موضوع اصلی مواد خود را به آن اختصاص داده‌اند.

محدودیت حمایت مالی و استثنائات

لازم به یادآوری است که حقوق بهره‌برداری مالی از آثار، دائم نیست و به موجب قوانین و معاهدات ذی‌ربط، مدتی محدود حمایت می‌شوند و از آن پس به دولت و جامعه تعلق دارند تا استفاده عمومی و بلاشرط از آنها ممکن گردد و این دقیقاً برای ایجاد تعدیل و تفاهم در رعایت حقوق و مصالح فردی و اجتماعی است. ضمناً در حین دوره حمایت نیز بهره‌برداری منصفانه و شرافتمند از آثار، ممکن و بلامانع است. همچنین اگر در موارد ضروری یا به نحوی تصادفی یا اشتباهی از اثر بهره‌برداری معقولی صورت پذیرد، مشکل قانونی نخواهد داشت.

تکوین حقوقی

بدیهی است این حقوق یکباره به وجود نیامده‌اند، بلکه در آغاز به شکل امتیازات اعطایی ملوک و سلاطین به صاحبان مشاغل و حرف تولید و توزیع بوده و سپس به مقتضای شرایط زندگی اجتماعی، وارد حوزه قانونگذاری و مقررات گردیده و بر اثر مراودات و ارتباطات بین دولتها از جنبه ملی به حالت بین‌المللی، دو جانبه و چند جانبه کشیده شده‌اند و از این فراتر اینکه مدتهاست در تدارک تبدیل به قوانین عام و جهانی به سر می‌برند. این امر حاکی از اهمیت و گستردگی این حقوق و نیز فراگیری موضوع آنها، یعنی اشاعه اندیشه و اطلاعات است که جزء نیازهای اولیه هر کار سازنده و پایدار مبتنی

بر نوآوری و رفاه محسوب می‌شود.

انحصارات زورمندانه

هم اکنون بخشی از جهان غرب با بهره‌گیری نامشروع و سوءاستفاده از حق انحصاری به دست آمده از همین حقوق ممتاز، بشردوستانه و صلح‌آمیز، اقدام به احتکار اطلاعات و رقابت منفی در کسب و ترویج آن می‌کند و بدین وسیله موجب فقر اطلاعاتی دیگر جوامع را فراهم می‌سازد؛ در حالی که خود را منادی حقوق بشر می‌خواند و ادعای پدر خواندگی جهان را دارد. هم اکنون در جهان سوم فقر اطلاعاتی بیداد می‌کند، بحران می‌آفریند، و اماندگی می‌آورد، در یوزگی ایجاد می‌کند، بی‌برنامگی می‌آفریند، و ضعف مدیریت را باعث می‌شود. خوب است مسئولان و دست‌اندرکاران امور اطلاعات و ارتباطات و نیز رجال فرهنگی و آموزشی کشور بدین امر مهم به قدر کافی توجه کنند و با همفکری کارشناسان، متخصصان، مدیران و برنامه‌ریزان لایق و با کفایت به این امر مهم پردازند و میهن اسلامی‌مان را از مبتلا شدن به این بحران و فقر برحذر دارند. رسانه‌های گروهی نیز باید به دور از هیاهو و جنجال به امر اطلاع‌رسانی درست پرداخته، آن را از

همه جوانب به طریق علمی و به زبانی سلیس بر عموم و خصوص روشن سازند و تبیین حقوق تولیدکننده و مصرف‌کننده اطلاعات و واسطه‌های آنها را در نظر بگیرند.

متأسفانه هم اکنون بهره‌برداری صوری و سطحی از واژه عمیق «اطلاع‌رسانی» به عنوان مد روز مطرح شده و حتی دیده می‌شود کسانی که هنوز به عمق معنا و اهمیت و کارسازی آن پی نبرده‌اند، فرصت می‌یابند تا به عنوان حامی و منادی اطلاع‌رسانی در رسانه‌های عمومی دولتی و خصوصی و حتی مجامع علمی و فرهنگی حضور یافته، اغراض شخصی خود را مطرح کنند. از این اسفناکتر حضور افرادی سودجو و معرکه‌گیر در عرصه خدمات کامپیوتری اطلاع‌رسانی است که این حرفه شریف را به زودی ملوث و منحرف خواهند کرد.

نگاهی گذرا ولی تیزبینانه به ترکیب اداری برخی مؤسسات دست‌اندرکار و نیز آنچه که با عنوان جعلی اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود، شاهد این مدعاست!

به هر حال، بر عهده دلسوزان و افراد با تعهد است که به تدبیر صحیح این امر مهم پردازند و جامعه را از این فعالیت مقدس یعنی آفرینش‌های فکری و اطلاع‌رسانی به خوبی و در حد مطلوب بهره‌مند سازند.